

## توحش تروریستی بنیادگرای اسلامی و گسترش راست میلیتاریستی جدید

چهره جهان معاصر تیره و تار شده است. در شرایطی که بنیادگرایی اسلامی در هیبت نفرت انگیزاش چهره می نماید و جنایت می آفریند، راست میلیتاریستی جدید، بعنوان ناجی مدنیت و بدیل ضدتروریستی سربلند کرده است.

حمله تروریستی به مرکز تجارت جهانی، فضای سیاسی جهان را تکان داد. پس از این واقعه، دولت آمریکا بن لادن بنیادگرای وحشی را مسئول این جنایت معرفی نموده و در پی آن کوشش می نماید که طرح سیاسی، نظامی، ایدئولوژیکی را تحت نام «مبارزه با تروریسم» به کمک متحدین اش در اروپای غربی و دیگر اعضای ناتو بر جهان سیاست حاکم نماید و دیگر دولتها را داوطلبانه و یا به اجبار در پیشبرد این طرح دخیل کند. همچنین تلاش می شود افکار عمومی - که از این عمل جنایت بار بشدت آسیب دیده است - پشتوانه پیشبرد این سیاست میلیتاریستی جدید قرار داده شود.

همه انسانهای آزادمنش تنفر خود را از این عمل تروریستی اعلام داشته و با قربانیان این حادثه دردناک احساس همدردی نموده اند. اما باید در نظر داشت که پیامدهای تخریبی ای که پس از این واقعه پی گیری می شود، کمتر از خود آن نیست. امروز این پرسش در برابرهمگان قرار دارد که علل رشد بربرهای خطرناکی چون بن لادن ها و طالبان ها و دیگر فرقه های این چنینی که در گذشته ای نزدیک قهرمانان سناریوهای سیاسی بربریت مدرن سرمایه داری بوده اند، چیست و طرح «مبارزه با تروریسم» کار گذاران ناتو چه پیامدهای مخربی می تواند داشته باشد؟!

در برزخ جهان امروز، فقدان یک بدیل سوسیالیستی نیرومند که امید محرومان و فرودستان جهان باشد، بیش از هر دوره ای بشدت احساس می شود. در نبود چنین بدیلی و در شرایطی که سکان داران سرمایه داری جهانی، شوربختی انسان معاصر را با فقر، تنگ دستی و نومیدی از آینده رقم می زنند، گرایشات عقب مانده در قالب فرقه ها و دستجات مذهبی رشد کرده اند. سکت های منجمدی که با خودکشی های دسته جمعی برای رسیدن به ناجهان دیگر، انسان ها را به کام مرگ می کشند، صهیونیستهای عقب گرایی که برای سرکوبیدن به دیوار مقدس، مردم محروم فلسطین را سرکوب می کنند و بنیادگرای اسلامی که در جستجوی عهد عتیق و حکومت مذهبی و فریفتن محرومان، جنون تروریستی را با مبارزه باصطلاح ضد امپریالیستی توجیه می کنند و... اینها همه بخشی از تصویری است از بازگشت گرایی و عقب گرد که بعنوان راه حل اجتماعی در برابر انسان امروز قرار داده می شود.

جهان تاریک کنونی شاهد رشد جریان‌های عقب مانده اسلامی در آسیا و آفریقا است که همگی پرسوناژهای یک نمایشنامه هولناک بنام اسلام اند. واپس‌گرایانی که در فضای سیاسی ناشی از «جنگ سرد» نشو و نما یافتند و با «کربند سبز» بربریت مدرن سرمایه داری بهم متصل شدند، بعدها در فضای فرهنگی پسا مدرنیستی توجیه فرهنگی و ایدئولوژیک شدند و سپس چون ویروسی کشنده به همه جا پراکنده شدند. مبارزه با این جریان‌های عقب مانده، رسالت همه نیروهای مترقی و پیشرو و همه انسان‌های آزادمش جهان امروز است. جمهوری اسلامی که یک حکومت مذهبی اسلامی است، تجربه ای است دردناک برای مردم ایران و برای بشریت آزاداندیش دنیا. این نوع از حکومت (حکومت مذهبی اسلامی) که با روایت‌های مختلف، الگوی همه اسلام‌گرایان گوناگون است، کابوسی است از یک واقعیت هولناک. واقعیتی که نشان می‌دهد که اگر چنین گرایشاتی به اهرم قدرت دست یابند، چگونه می‌توانند جامعه ای را به تخریب بکشند. تجربه جمهوری اسلامی بمثابة یک حکومت ویرانگر باید در برابر چشمان همه دنیا و بویژه در کشورهایی که گرایش‌های عقب مانده اسلامی رشد کرده اند، قرار گیرد، جوانب مختلف آن کالبد شکافی شود و از گسترش این میکروب خطرناک با اتکا به مبارزه با خرافات، قطع شریانه‌های مالی و مقابله سیاسی و فرهنگی جلوگیری شده و راه حل اجتماعی آنها که چیزی جز بازگشت به عهد عتیق، برای پاسخ‌گویی به نیازهای انسان امروز نیست، برملا شود.

تیرگی جهان کنونی اما تنها با حضور بنیاد گرایان مذهبی. خرافات و سکت‌های عقب مانده توضیح داده نمی‌شود. عملکرد سرمایه داری مسلط بر ژئوپولیتیک دنیای کنونی که خود زمینه ساز رشد طالبان‌ها، بن‌لادن‌ها و جمهوری اسلامی‌ها بوده است، این فضا را تاریک تر کرده است. وعده «دموکراسی» بربریت مدرن سرمایه داری در مقابل الگوی استالینیستی، پس از پایان جنگ سرد با گرم شدن تنور جنگ و نظامی‌گری جایگزین شده است. فقر، نابرابری، بیکاری و نومییدی از آینده مدام شدت می‌یابد. تحت چنین شرایطی و در فقدان یک بدیل اجتماعی پیشرو، زمینه عقب‌گرد و بازگشت‌گرایی در اشکال گوناگونش تشدید شده است.

پس از ۱۱ سپتامبر فضای سیاسی جهان بشدت میل‌تاریز شده. دولت آمریکا با به پیش کشیدن «طرح مقابله با تروریسم» آشکارا به همه جهان اعلام کرده است که: «یا با سیاست مائید یا برعلیه ما» این دولت کوشش می‌کند از فضای بدست آمده استفاده نموده و هژمونی سیاسی و نظامی اش را هم بر ناتو و هم بر کل جغرافیای سیاسی جهان تقویت نماید. هم اکنون دامنه این طرح ملیتاریستی و امنیتی توسط متحدین آمریکا در اروپای متحد و دیگر کشورهای عضو ناتو گسترش یافته است. باید در نظر داشت که این طرح، سیاستی پیچیده و محاطه آمیز است که با جنگ، طلبی، رشد راسیسم و جنائی جلوه نمودن جنبش‌های اعتراضی همراه خواهد بود و در شرایطی که هیچ تصویر روشنی از تروریسم داده نمی‌شود و حتا در میان واضعین این طرح برداشت واحدی از آن وجود

ندارد، موج وسیعی از تحركات امنیتی در کشورهای اروپایی و آمریکا آغاز شده و بیم آن می رود که جنبشهای سیاسی اعتراضی و یا ضد نتولیبرالی نیز، آماج این سیاست قرار بگیرند. چنین فضایی اما باید در هم شکسته شود. انسان عدالتخواه و آزادمنش امروز نمی تواند در مقابل این همه جنایت و نابرابری، تروریسم و جنگ افروزی بی تفاوت بماند. باید در برابر بربریت عقب گرا و مدرن سربلند کرد.

ما ضمن همدردی با بازماندگان قربانیان انفجار تروریستی در آمریکا و ضرورت يك مبارزه همه جانبه بشرو و مستقل بر علیه بنیادگرایی و تروریسم مذهبی، بر پیامدهای خطر آفرین طرح سیاست گذاران ناتو و گسترش دامنه حرکت راست میلیتاریستی جدید بر فضای سیاسی جهان هشدار می دهیم.

### هست اقلیت

سپتامبر دوهزارویک – شهریور ماه هزار و سیصد و هشتاد